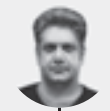


دویدن در مار اتن های شبانه

روایت یک نیمه شب حضور خبرنگار شهر آرا به عنوان پاکبان همراه با خودرو حمل زباله

گزارش روز



حسین نایان
روزنامه نگار

مهدی رحمانی یک ساعت پیش و هم زمان با پهن شدن سفره از میهمانش خدا حافظی و عذرخواهی کرده است که نمی تواند شام را کنار آن ها باشد. خواهش کرده است یاسه شنبه هفته آینده بیایند که نوبت استراحت هفتگی اوست یا هر روز دیگری که توانستند. حوالی عصر بیایند تا او هم فرصت همراهی بیشتری داشته باشد و شرمندشان نشود. حالا اما باید خودش را برساند به میدان امام خمینی (ره) و پارکاب کامیون حمل زباله. محمد جوینده، راننده کامیون، هم به همین شکل از همسرش خدا حافظی کرده و قول داده است صبح زود بعد از اتمام کار به جای برگشتن به خانه و خوابیدن، بروم مدرسه پسرش و گیر ثبت نامش را برطرف کند. نفر سوم منم، حسین بیات، خبرنگاری که بنا شده است امشب این دونفر را همراهی کند و نیروی دوم پارکاب کامیون حمل زباله باشد. یکی از همان هایی که هر شب پشت حرکت یکنواخت کامیون می دود و زباله های درب منازل را به مخزن کامیون می رساند، یکی از دوند ه های مار اتن زباله گیری شبانه مشهد.

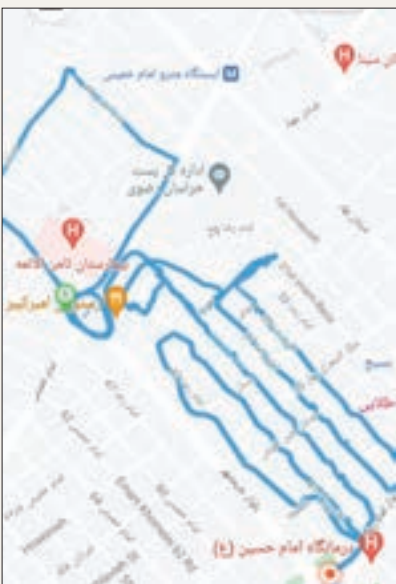
شروع مار اتن شبانه



رأس ساعت ۱۰ شب می رسم به میدان امام خمینی^(۱). سجاد سیبانی، رابط معاونت محیط زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد، و حامد میمی، ناظر شب منطقه، کنار کامیون جمع آوری زباله ناحیه یک منطقه ۸ مشهد در حاشیه میدان منتظر هستند. باید و نیاید ها را می گویند تا حین کار کمتر اذیت شوم و آسیب نبینم. خستگی ۱۲ ساعت کار در روزنامه را دارم. بالاین حال لباس می پوشم که راه بیفتیم به سمت نقطه شروع زباله گیری امشب. سهم ما کمی دورتر از ورودی خیابان امام خمینی^(۲) به سمت خیابان امام رضا^(۳) است، جایی که دو باکس زباله دارد، اما آن چیزی که می بینم غیر قابل درک است. تلی از زباله به اطراف پاشیده شده انتظار مان را می کشد. نه تفکیکی در کار است و نه پلاستیک های گره خورده و سربسته. روال کار برای نیروهای زباله گیر این طور است که ابتدا زباله های اطراف بارگیری شود، سپس زباله های داخل باکس و در نهایت با استفاده از جارو

و خاک انداز اطراف باکس نظافت شود. همین است که مشغول می شوم. از بوی زننده زباله ها که بگذریم میانشان همه چیز هست، از ضایعات چوبی و پلاستیکی گرفته تا فرش و شیشه و البته ضایعات غذایی، آشغال گوشت متغفن و نخاله ساختمانی. جمع آوری نخاله های ساختمانی، فرش و شیشه جزو وظایف نیروهای زباله گیر نیست اما ناچارم تمام آن ها را جابه جا کنم و کنار باکس زباله بچینم. بقیه را اما باید برداریم. شیرابه ای که از برخی پلاستیک ها جاری می شود مؤید یک چیز است؛ اینکه کیسه های زباله چندین ساعت قبل از ساعت ۹ شب اینجا رها شده اند. برایم قابل درک نیست شهروندی که سال ها زیست شهری را تجربه کرده است چطور می تواند سازنده چنین صحنه ای باشد. با این حال خدا را شکر می کنم شب است و ساعت کار بیشتر حشرات موذی تمام شده است اما بوی زننده همچنان مخاط بینی را می سوزاند.

وقتی که تفکیک زباله را بلد نیستیم



مسیری که برای جمع آوری زباله در ۳ ساعت طی شد



بعضی ها هم که کلا چرخ را بازمی کنند و می برند، می دانم افزایش زباله گرد ها از نامناسب بودن شرایط اقتصادی نشئت می گیرد اما پدید آمدن این شبه شغل گره انداخته است به کار دشوار زباله گیرها. تخریب باکس های زباله و پاره شدن پلاستیک های زباله فقط گوشه ای از عواقب این شبه کار است. در این سو هر چه پیش تر می رویم، متوجه می شوم که بسیاری از ما هنوز شناخت درستی از زباله نداریم و اصلا تفکیکش را بلد نیستیم؛ نه در معنا و نه در قواره فیزیکی آن. در این بین احتمالا برخی که شوخ طبع تر هستند باز یاله های خود معما می چینند و طوری آن ها را زیر شمشاد ها مخفی می کنند که اول باید کشفشان کرد.



زباله گیری در تصورم هرگز آن قدر دشوار نبود که آدم را خسته کند اما خسته شده ام. زباله گیری در تصورم هرگز آن قدر دشوار نبود که عرقم را در بیاورد اما عرقم درآمده است. بیشتر از یک ساعت است که دنبال ماشین هستم اما هنوز مخزن کامیون تا نیمه هم پر نشده است. معمولا هر نوبت ۳ تن زباله در مخزن فشرده می شود تا برای تخلیه برود. در مسیر چند باکس بزرگ را خالی می کنیم که خود بیرون آورده نشان داستانی دارد. چرخ اغلیشان خراب است. مهدی می گوید: «آن هایی که دنبال ضایعات هستند باکس را با تمام زباله های درونش می خوابانند تا راحت تر میان زباله ها را بگردند. همین کج کردن ها فلز پایه چرخ را می پیچاند و خراب می شود.

فاصله زیاد شعار تا عمل

مهدی رحمانی باید یک ماشین دیگر را پر کند و یک ماشین دیگر را. با دوندگی هایی که برای پر کردن یک ماشین داشته است حساب که می کنم تا پایان کارش باید حدود ۳۶ کیلومتر بدود؛ یعنی کمی کمتر از یک دوی مار اتن.

اما زباله هایی که شب ها درب منازل مشهد گذاشته می شوند، چیز دیگری می گویند. در نهایت ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه زمان می برد تا من و مهدی یک کامیون را پر کنیم. حدود ۳ تن زباله جمع کرده ایم و برای یک نوبت بیش از ۱۰ کیلومتر دویده ایم. من بریده ام اما

باقی کار زباله گیری همان است که در یک ساعت گذشته تجربه کرده ام. فقط خستگی است که بیشتر و بیشتر می شود. در این بین به این فکر می کردم که ۱۶ سال قبل تفکیک زباله از مبدأ در مشهد آغاز شده و اکثر شهروندان با مزیت های آن آشنا هستند

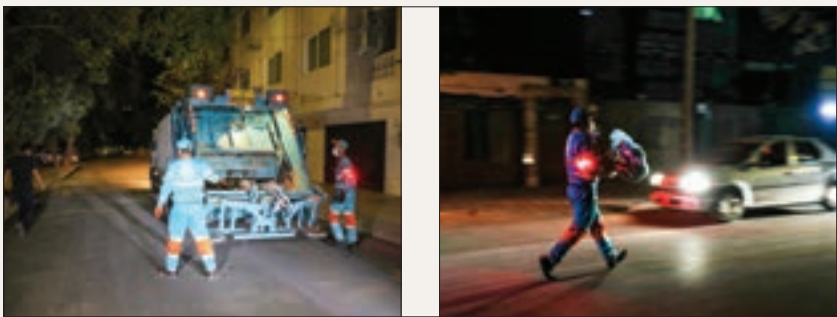
هر چیزی زباله خانگی نیست



اینجا اگر چه به خرابی شروع کار نیست اما همان ترکیب را دارد؛ یعنی همان اقلامی را که نباید میان زباله ها دید. اینجا می بینیم. به مهدی نشان می دهم. «یعنی چه کنم؟» سر تکان می دهد: «نمی دانم مردم چرا هر چیزی را زباله خانگی به حساب می آورند.» بعد می گوید جمع نکن. چند تا بی را جمع نمی کنم اما می دانم فردا صبح که زباله گذار نبودن، زباله های همسایه و بودن، بخشی از زباله های خودش را ببیند یک فحش آبدار نثارم خواهد کرد.

کار باکس ها تمام می شود. سوار پارکاب انتهای کامیون می شوم تا به سمت ابتدای معبری برویم که تا خیابان امام رضا^(۴) ادامه دارد. حفظ تعادل قدری برایم دشوار است اما سرعت کامیون آن قدر نیست که نگران ش باشم. می رسیم. زباله های سمت چپ قسمت من است و سمت راستی ها را مهدی رحمانی جمع می کند. کامیون آرام آرام از وسط معبر جلو می رود و ما به حالت دو زباله ها را از دو طرف جمع می کنیم و می رسانیم به مخزن کامیون. زباله های

زباله گذاری هم آدابی دارد



هنوز یک ربع از زباله گیری نگذشته است که به نفس نفس می افتم. به نظرم ماشین سرعتش بیشتر شده اما نه تنها با همان سرعت ابتدای کار حرکت می کند که سرعتش به اندازه دیگر شب ها نیست. مجید هلال که سرکارگر زباله گیری است و برای سرکشی به کار با موتورش آمده است می گوید: «به راننده سپرده ام مراعات شما را بکند و گر نه ماشین با سرعت بیشتری حرکت می کند.» بعد توضیح می دهد که با سرعت فعلی اگر پیش برویم، زباله گیری تا ۸ صبح هم تمام نمی شود. از ماشین می خواهد که یک دقیقه با سرعت همیشگی حرکت کند. نتیجه این است که بعد از اتمام یک دقیقه حدود ۴۰ متر از ماشین عقب مانده ام. میانه دویدن

و برداشتن زباله ها به حرف آقا مجید فکر می کنم و ذهنم را می کاوم. راست می گوید. می بینم تابه حال هیچ صبحی ماشین حمل زباله را در کوچه های مشهد ندیده ام. آن ها باید قبل از دمیدن سپیده کارشان را تمام کنند. سرعتم را بیشتر می کنم اما باز هم این کار دشوار است. گاهی کیسه زباله به حدی سنگین است که ناچارم به آرامی حملش کنم و گاهی چنان کوچک و پراکنده که ناچارم یک مسیر را بدوم. آن هم فقط برای برداشتن یک پلاستیک یک کیلوگرمی که یکی از اهالی با پوست چند تا سبب و خیار پرش کرده است. یقین پیدا می کنم زباله گذاری ما مردم هیچ ترتیب و آدابی ندارند؛ نه از لحاظ زمانی، نه از لحاظ اندازه.

بعد از زباله گیری

طبق آخرین آمار به دست آمده توسط سازمان بهداشت جهانی سرانه تولید روزانه زباله برای هر فرد ۱۳ گرم است که این عدد در کشور ایران حدود ۵/۲ برابر است و روزانه شهروندان حدود ۷۸ گرم زباله تولید می کنند. این آمار برای کلان شهرهایی مانند مشهد و مناطق بالای شهر حتی بیشتر است. در واقع مشهد، پس از تهران، بیشترین میزان تولید زباله کشور را دارد. آمار امسال موجود نیست اما سال گذشته روزانه حدود ۲ هزار تن زباله تولید می کردیم. ۲۰ تا ۲۵ درصد زباله های ما پسماند خشک و بقیه مواد آلی یا همان پسماند تر هستند. زباله های تر تا میزان ۶۰ درصد قابل بازیافت هستند اما شکل مدیریت سازمانی و فردی ما به نحوی است که فقط بخش ناچیزی از آن را بازیافت می کنیم.

اندیشمندان مصرف گرایی را اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی های مادی معنی می کنند و کافی است کمی میان زباله های مشهد قدم بزنید تا ببینید تا چه حد دچار مصرف گرایی هستیم. چیزی که هم اثرات مخربی بر منابع طبیعی و اولیه کشورمان دارد و هم سبب افزایش تولید زباله و آلودگی آب، خاک و هوای مشهد می شود. رفتار و الگوی اجتماعی ما در قبال زباله به اصلاح جدی و پایه ای نیاز دارد؛ هم در ساختار مدیریتی و هم در ساختار فردی و مردمی. به طور عمده تولید پسماند به دو عامل فرهنگ مصرف و میزان بهره مندی مردم از ثروت بستگی دارد. کشورهای ثروتمندی مانند سوئیس، دانمارک، ژاپن و آلمان در زمینه مدیریت پسماند و بازیافت عملکرد فوق العاده ای دارند.

دعوت به چالش

خب خودمان شروع کننده این داستان هستیم و قصد داریم در این صفحه هر از گاهی مشاغل سخت شهری را تجربه کنیم. در کنار سختی های آن حتما تجربه شیرینی خواهد بود. و حالا در این بخش سه نفر از کسانی را که به نوعی با موضوع این شغل مرتبط هستند به چالش دعوت می کنیم تا اگر دوست داشتند دقایقی در قامت این شغل حضور یابند. در این نوبت از آقای حسن کریم دادی، رئیس محترم کمیسیون خدمات شهری، بهداشت، سلامت و محیط زیست شورای اسلامی شهر، آقای محمد امین بابایی، مدیرکل محترم اداره کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی، و یکی از ضایعات جمع کن های مشهد دعوت می کنیم برای نیم ساعت این کار را تجربه کنند.